

چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۹۴۶ • ۷

روزنامه جامعه • اندیشه	
بازار آزاد در هیچ جای جهان وجود خارجی ندارد	صفحه ۸
نگاهی به کتاب بیست‌وسه گفتار درباره سرمایه‌داری»	صفحه ۸
تیراندازی در مدرسه ۲۶۳	صفحه ۱۰

نگاه	
کنترل درونی جمعیت	
	
سعید معیدفر	

طرح افزایش جمعیت و تاکید بر مساله خانواده که یکی، دوسالی است مورد تاکید مسوولان قرار گرفته است باید ریشه‌شناسی شود؟ چه اتفاقی افتاده که این موضوع اهمیت یافته است؟ اتفاق رخ داده این است که میزان ازدواج کاهش و طلاق افزایش یافته و گرایش جوان‌ها به تاخیر ازدواج و فرزندآوری بیشتر شده است و از آن‌سو این‌روزها با موضوعی به نام تجرد قطعی هم روبه‌رو شده‌ایم؛ یعنی دختران و پسرانی که کم‌کم به‌طور کلی بی‌خیال ازدواج و تشکیل خانواده می‌شوند. این اتفاقات روندی عادی در جامعه دارد و خیلی امر غریبی نیست، اما از دید مسوولان اتفاق خوبی نیست. حال آنکه باید به‌لحاظ علمی و کارشناسانه بررسی کنیم این وقایعی که باعث نگرانی مسوولان شده در واقع فرآیند اعتدال‌گونه‌ای است که در جامعه وقوع یافته و به شکلی عقلانی مانع از مشکلاتی می‌شود که در آینده جامعه با آن روبه‌رو می‌شود.

اگر روند جمعیت و نرخ رشد آن را نگاه کنیم تا قبل از انقلاب اگرچه بالاست، اما کاهنده است. اگر یک‌دهه عقب‌تر برویم، این رشد بالاتر است و در آستانه انقلاب روندی کاهنده می‌یابد و این واکنش طبیعی جامعه و متأثر از شرایط زبستی، کنترل مرگومیر و بالا رفتن سطح آگاهی‌ها است. اما یکباره با وقوع انقلاب شبیه تند در افزایش جمعیت پیدا کردیم، نرخ ۲٫۵، یکباره به نزدیکی چهار رسید و این غیرقابل‌باور است و حتی می‌تواند خیلی بحران‌آمیز باشد چراکه همیشه بین جمعیت امکانات زیستی و طبیعی تعادلی برقرار شده است. در گذشته کنترل جمعیت از طریق مرگومیر زیاد به وقوع می‌پیوست و وقتی جمعیت در نقطه‌ای زیاد می‌شد با وقوع بیماری‌های مسری و... گاهی تا یک‌سوم جمعیت از بین می‌رفت تا دوباره تعادل حیاتی برقرار شود، اما بشر در دنیای مدرن با مداخله فناوری توانسته جلوی مرگومیر را بگیرد و ما دیگر با انبوه مرگومیر کودکان یا مردم در اثر بیماری و آگیردار روبه‌رو نیستیم، از آن‌سو شرایط زیستی هم با دخالت انسان در طبیعت بهتر شده است.



این حد توقفی و مرزی دارد؛ به هر حال ما در زمین زندگی می‌کنیم که منابعش محدود است، زمین‌های کشاورزی‌اش در حال بایرشدن است و این افزایش جمعیت فشار بر امکانات حیاتی نیز می‌آورد و حتی حیات نسل‌های آینده را با خطر مواجه می‌کند، آلودگی محیط زیست، هوا، کمبود آب خطر جدی برای ماست و با مشکلات زیادی از نظر آلودگی هوا، آب و محیط‌زیست دست‌وپنجه نرم می‌کنیم و وضعیتمان بسیار وخیم است.

اوایل انقلاب به‌دلیل شرایط سیاسی-اجتماعی نسلی متولد شد که آنها را دهه‌شصتی‌ها می‌نامند؛ دهه‌شصتی‌هایی که بیش از آنکه امکانات مناسب برایشان وجود داشته باشد به دنیا آمدند؛ در دوران مدرسه، دانشگاه و امکانات شغلی. جامعه ما ۲۰ سال است فشار دهه‌شصتی‌ها را تحمل می‌کند و مشخص نیست تا کجا باید این فشار ادامه یابد، دهه‌شصتی‌ها در حال حاضر به حدی از اعتدال سنی رسیده‌اند و با توجه به نبود امکانات برای ازدواج، تشکیل خانواده و مشکلاتی که در هشت‌سال گذشته ایجاد شد از جمله تشدید رکود توری بسیار بالا که در تاریخ ایران بی‌سابقه بوده است، مواجه هستند، جمعیت به حد تشکیل خانواده رسیده و برای ازدواج، کار و تشکیل خانواده امکانات می‌خواهد از آن‌سو منابع به‌شدت کاهش یافته است. ما به‌صورت کارشناسانه و علمی نتیجه می‌گیریم بخشی از دهه‌شصتی‌ها نمی‌توانند تشکیل خانواده دهند. به‌دلیل سختی کار، انگیزه زندگی را از دست دادند و از طرفی اگر قرار باشد تمام دهه‌شصتی‌ها ازدواج کنند و بچه‌دار شوند می‌دانید چه تغییر جمعیتی حاصل می‌شود؟

در فاصله‌ای کوتاه با شرایطی مشابه اوایل انقلاب روبه‌رو می‌شویم. اگر میزان باروری افزایش یابد یا امکانات حیاتی کشور جواگو خواهد بود؟ در حال حاضر بحران محیط‌زیست و بحران آلودگی هوا که ۲۰درصد بر نرخ مرگومیرها می‌افزاید، وجود دارد. میزان بالای طلاق اتفاق می‌افتد که ناشی از مشکلات خانواده و بخشی از این مشکلات اقتصادی است. جمعیت خودش، خود را کنترل می‌کند. قدیم با مرگومیر کنترل می‌شد امروز با تدبیر کنترل می‌شود. جوان، امروز می‌اندیشد و محاسبه می‌کند که آیا می‌توانم با ۱۰۰هزار تومان تشکیل خانواده‌دهم؟

ممکن است وضع مالی برخی از دهه‌شصتی‌ها خوب باشد، مشکلاتشان را حل کنند. اما بخشی از جامعه ما زیر خط فقر هستند و نمی‌توان انتظار پشتیبانی خانواده را داشته باشند، درآمدش تکاپوی زندگی را نمی‌کند و با این حساب بخشی از دهه‌شصتی‌ها ازدواج نمی‌کنند.

شرق

جامعه • اندیشه

بازار آزاد در هیچ جای جهان وجود خارجی ندارد

نگاهی به کتاب بیست‌وسه گفتار درباره سرمایه‌داری»

تیراندازی در مدرسه ۲۶۳

بُرش	
۸۰ درصد کشورها	
باروری ۳ و یا کمتر دارند	

کاهش باروری، یک مساله جهانی است. در اروپا میزان باروری از سال‌ها قبل کاهش یافته و در بقیه کشورها هم تمایل به باروری کمتر در حال افزایش است. مثلاً در آسیا در سال ۲۰۱۳ در حدود ۴۳درصد کشورها دارای باروری کل ۲/۱ یا کمتر بودند، حدود ۸۰درصد کشورها دارای باروری کل سه یا کمتر بودند و تنها کمتر از هفت‌درصد آنها باروری بالای چهارفرزند داشتند. ترکیبی از عوامل هم می‌تواند در این قضیه نقش داشته باشند. هم‌اکنون فردگرایی بیشتر شده، سبک زندگی تغییر کرده و افراد بیشتر به فکر زندگی خودشان هستند. مساله دیگر تحصیلات زنان است که باعث بالا رفتن سن ازدواج شده و حتی اگر زنان تمایل به فرزندآوری بیشتر هم داشته باشند، با بالا رفتن سن ازدواج، شانس کمتری برای تولد فرزندان بیشتر خواهند داشت. یکی دیگر از عوامل، حضور بیشتر زنان در جامعه است. زنان نسبت به گذشته بسیار بیشتر طالب بهبود وضعیت خودشان و کسب استقلال اقتصادی هستند. آنان می‌خواهند نقش بیشتری در جامعه داشته باشند و در این مسیر، فرزند را مانع خود می‌بینند، مثلاً اگر یک زن در سن خیلی پایین (کمتر از ۲۰ سالگی) ازدواج کند، ممکن است هم از تحصیل و هم از اشتغال محروم شود و حتی نتواند فرزندش را به‌درستی تربیت کند. البته مردان هم ممکن است به‌دلیل متخلفی خواهران فرزندان کمتری باشند. بعضاً مشاهده شده که در بعضی مواقع باوجود تمایل زنان، مردان از داشتن فرزندان بیشتر امتناع می‌کنند. مسایل اقتصادی هم در این زمینه نقش دارند، الان افراد محاسبات هزینه و فایده انجام می‌دهند و با خودشان فکر می‌کنند که فرزند قرار است چه نفعی برایشان داشته باشد یا با داشتن آنچه چیزی را از دست می‌دهند. الان هزینه‌هایی که خانواده‌ها برای فرزند می‌پردازند به مراتب بیشتر از گذشته است و به منفایی که از فرزند کسب می‌کنند به مراتب کاهش یافته است. الان فرزندان کم‌کم‌کننده اقتصادی نیستند و حتی سالمندان هم هنوز برای فرزندان‌شان هزینه‌می‌پردازند.

از سوی دیگر طلاق دایما در ایران در حال افزایش است و تعداد ازدواج‌ها هم در سال‌های اخیر کاهش یافته البته بخشی از آن به این دلیل است که تعداد افراد در سن ازدواج کم شده است. اما افزایش روزافزون تعداد طلاق نشان می‌دهد که افراد سواد زیادی از خانواده نمی‌برند. این مساله ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد. عوامل اقتصادی (فقر، بیکاری و...)، عوامل اجتماعی (عدم‌فهم، اعتیاد و...)، عوامل خانوادگی (مناسبات و روابط زن و شوهری و...)، سبک زندگی (فردگرایی، عدم‌تحمل دیگران و...)، عوامل جمعیتی (سن ازدواج پایین یا بالا، تفاوت سنی زوجین و...) و سایر عوامل در آن دخیل هستند. اما در هر حال نشان می‌دهد که خانواده یادگیری گذشته خود را از دست داده است. اینکه چطور می‌توان دوباره این ساختار را پایدار کرد، مسلماً احتیاج به سیاست‌گذاری‌های درست دارد. زنان در ایران مثل زنان اروپایی چندان درگیر اشتغال نیستند اما عملاً همان عدم تمایل به فرزند در ایران هم افزایش پیدا کرده است. پس معلوم است که عوامل دیگری در این مساله دخیل هستند. من نمی‌توانم ضرب کلیه این عوامل را تعیین کنم ولی به هر حال هر کماز که این عوامل به اندازه‌ای در ماجرای کاهش باروری نقش دارند.



عکس: شرق

گفت‌وگو با حسین محمودیان، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی تهران:

نمی‌توان دسترسی افراد به خدمات بهداشتی را محدود کرد

محبوبه حسین‌زاده

تنظیم خانواده بگویم. برنامه تنظیم خانواده در ایران از سال ۱۳۴۶ شروع شد. در سرشماری سال ۱۳۴۵ مشخص شد که در یک دوره زمانی ۱۰ ساله یعنی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۵، جمعیت کشور سالانه ۲/۱درصد افزایش یافته است. به‌دنبال آن تصمیم مسوولان وقت بر آن شد که میزان رشد جمعیت را کنترل کنند و برنامه تنظیم خانواده به اجرا درآمد. این برنامه تاحدودی موثر واقع شد و باروری کل تقریباً به اندازه یک فرزند کاهش یافت. یعنی تا قبل از آن، باروری کل بیشتر از شش‌فرزند بود و با اجرای این برنامه حدود سال ۵۴ به کمتر از شش‌فرزند تقلیل یافت. رشد سالانه جمعیت هم در دوره ۵۵-۴۵ به ۲/۷درصد کاهش یافت. اما در اواخر دوره رژیم قبلی دوباره باروری افزایش یافت. اتفاقاً افزایش باروری یکی، دو سال قبل از انقلاب شروع شد و بعد از انقلاب هم طرح تنظیم خانواده متوقف شد و باروری هم به دلایل مختلفی افزایش یافت. حالا با به دلیل انقلاب بود که افراد آمبدشان افزایش پیدا کرد و به به‌دلیل جنگ و دلایل دیگر افراد زودتر ازدواج می‌کردند و خواستار فرزندآوری بیشتری بودند. در سرشماری سال ۱۳۶۵ مشخص شد که تعداد جمعیت نسبت به سال ۵۵، سالانه حدود چهاردرصد بیشتر شده است. البته همه رشد جمعیت مربوط به ایرانیان نبود و مهاجران افغان هم در نظر گرفته شده بودند ولی در هر صورت رشد طبیعی جمعیت به حدود ۲/۲درصد افزایش یافته بود. به همین دلیل مسوولان تصمیم گرفتند طرح تنظیم خانواده را دوباره احیا کنند. این طرح در سال۱۳۶۸ دوباره به اجرا درآمد در حالی که کاهش باروری از سال ۶۴ شروع شده بود. همین نشان می‌دهد که افراد به تبع شرایط و قبل از شروع این طرح، تصمیم به کاهش تعداد فرزند گرفته بودند. در حقیقت این طرح به روند کاهش جمعیت که پیش از این شروع شده بود، کمک کرد، یعنی فقط عامل کمک‌کننده بود و نه عامل اصلی. این طرح، افراد را توانمندتر کرد و امکانات لازم را در اختیارشان گذاشت.

۱۲۳۴۵
در هیچ‌جای دنیا خدمات بهداشتی را قطع نمی‌کنند تا میزان جمعیت را افزایش دهند. تنظیم خانواده یک مساله بهداشتی است و کسی نمی‌تواند حق دسترسی افراد به خدمات بهداشتی را محدود کند. درست است که برنامه‌های تنظیم خانواده در کاهش یا افزایش جمعیت تأثیر دارد ولی یک عامل کمک‌کننده است و نه عامل اصلی

۴ مدتی است که طرحی با عنوان «طرح جمعیت و تعالی خانواده» در کمیسیون‌های مختلف مجلس در حال بررسی است که هدف آن افزایش جمعیت است. انتقادهای زیادی به این طرح شده است که یکی از موارد آن حذف تمامی خدمات پیشگیری از بارداری است. نظر شما در مورد حذف این خدمات چیست؟

من هم پیش‌نویس این طرح را دیدماد و انتقاداتی بر آن وارد است. طرح یک مقدار حالت دستوری و آمرانه دارد و در بعضی از موارد مغایر با حقوق افراد است. اما حذف و یا محدودکردن خدمات تنظیم خانواده می‌تواند تبعات مختلفی داشته باشد. ببینید برنامه‌های تنظیم خانواده چه‌ت‌گیری خاصی ندارد. اجرای آن می‌تواند باعث افزایش، کاهش یا ثبات جمعیت شود. ولی چون در ایران در هنگام افزایش جمعیت حق دسترسی افراد به خدمات بهداشتی را محدود کند. درست است که برنامه‌های تنظیم خانواده در کاهش یا افزایش جمعیت تأثیر دارد ولی همان‌طور که توضیح دادم یک عامل کمک‌کننده است و نه عامل اصلی. حتی اگر یک زن تصمیم بگیرد که دو یا سه فرزند داشته باشد، بالاخره باید فاصله‌گذاری مناسبی بین تولد فرزندان صورت گیرد. در نتیجه نمی‌توان دسترسی او را به وسایل و خدمات بهداشتی موردنیاز محدود کرد. این استدلال که تنظیم خانواده عامل اصلی کاهش باروری است و وزارت بهداشت هم مقصر اصلی این کار است، درست نیست. وزارت بهداشت باید به افراد خدمات بهداشتی موردنیازشان را ارائه دهد. اگر این برنامه را اجرا می‌افتد؟ افراد به سقط‌جنین غیربهداشتی رو می‌آورند، بیماری‌های مقاربتی افزایش می‌یابد و حتی تمایل به ازدواج نیز کاهش پیدا می‌کند. متأسفانه این برنامه‌ها، افراد فقیر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و به آنها بیشتر آسیب می‌رساند. دسترسی آنان به انواع‌واقسام دارو و خدمات بهداشتی محدود می‌شود و به سقط‌جنین‌های غیربهداشتی با افزایش جمعیت در قشر فقیر و با تولید دوباره فقر منجر می‌شود. مسلماً افراد پولدار از این طرح ضرر نمی‌بینند چون می‌توانند به انواع‌واقسام دارو و وسایل موردنظر دسترسی پیدا کنند. خدمات تنظیم

آمارهای رسمی نشان می‌دهد که به‌طور متوسط در هر ساعت ۱۶۲انفر در کشور به دنیا می‌آیند و در سال ۹۱، تعداد یک‌میلیون و ۴۲هزار و ۸۹۰ولادت ثبت شده است. با این حال افزایش جمعیت به دغدغه اصلی سیاستگذاران تبدیل شده تا آنجا که طرحی با عنوان «جمعیت و تعالی خانواده» در کمیسیون‌های مختلف مجلس در حال بررسی است که تلاش دارد تا با اتخاذ سیاست‌های تشویقی و حتی تنبیهی (از جمله محدودکردن دسترسی زنان به اشتغال، حذف تمامی خدمات پیشگیری از بارداری و سخت‌تر کردن پروسه طلاق) جمعیت کشور را افزایش دهد. اظهارات ضدونقیض مطرح‌شده در مورد جمعیت ایران، آمارهایی که گویای افزایش جمعیت است، برنامه‌هایی که خبر از ناپدیدگرفتن شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه دارد و چندین و چندسوال دیگر باعث شد تا برای کسب اطلاعات دقیق به سراغ دکتر حسین محمودیان، دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برویم. گفت‌وگوی ما با دکتر محمودیان را با هم می‌خوانیم:

۴ آمارهای رسمی نشان می‌دهند که جمعیت ایران در هر سال بیشتر از یک‌میلیون نفر افزایش می‌یابد در حالی که مسوولان از کاهش جمعیت و برنامه‌ریزی برای افزایش جمعیت صحبت می‌کنند. چطور تعیین می‌کنند که میزان جمعیت یک کشور در حال افزایش یا کاهش است؟ وضعیت جمعیت ایران چطور است؟

افزایش جمعیت تابع میزان نرخ رشد جمعیت است که به‌صورت سالانه حساب می‌شود. البته ما در ایران اطلاعات دقیق سالانه برای محاسبه رشد نداریم و سرشماری‌ها در فاصله‌های زمانی پنج یا ۱۰ سال انجام می‌گیرند. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، از سال ۸۵ تا ۹۰، جمعیت کشور در هر سال ۱/۳درصد رشد داشته و هر سال حداقل یک‌میلیون نفر به جمعیت ۷۵میلیون‌نفری اضافه می‌شود. پس جمعیت کشور دایماً در حال افزایش است و هر سال به همین میزان به جمعیت افزوده می‌شود.

اما رشد جمعیت تابع میزان‌های باروری، مرگومیر و مهاجرت است. البته در جمعیت‌شناسی، میزان‌های متفاوت باروری وجود دارد که یکی از آنها باروری کل است. میزان باروری کل بر اساس الگوهای فرزندآوری زنانی که در سنین فرزندآوری قرار دارند- یعنی از سنین ۱۵ تا ۴۹ سالگی- به‌صورت سالانه حساب می‌شود. این یک میزان مقطعی است که مفهوم نسلی دارد و نشان می‌دهد که یک زن با توجه به الگوی سالانه باروری در طی دوره فرزندآوری، چند فرزند به‌دنبال خواهد آورد. یعنی اگر یک زن، الگوی باروری‌اش در دوره فرزندآوری مثل تجربه باروری زنان ۱۵ تا ۴۹ساله در یک‌سال خاص باشد، در طول زندگی‌اش چند فرزند خواهد داشت. شاخص میزان باروری کل در ایران در سال ۹۰ به کمتر از دو یعنی ۱/۸رسیده است. این شاخص همچنین نشان‌دهنده وضعیت جانشینی جمعیت است. یعنی اگر این شاخص ۲/۱ باشد و هر ۱۰ زن ۲۱فرزند به‌دنبال بیآورند، جمعیت خودش را حفظ می‌کند، چون یکی از این فرزندان جایگزین پدر و دیگری جایگزین مادر می‌شود و جمعیت ثبات خواهد داشت. اگر تعداد فرزندان بیشتر از ۲/۱ باشد، جمعیت افزایش پیدا می‌کند و اگر تعداد فرزندان کمتر از دو باشد، جمعیت کاهش می‌یابد.

۴ همان‌طور که گفتید در ایران شاخص باروری به کمتر از دو رسیده است. اما جمعیت همچنان در حال افزایش است. چطور چنین چیزی امکان دارد؟
مسایات ما این را می‌گوید که قطعاً ۲۰ تا ۴۰ سال دیگر رشد جمعیت ما افزایش پیدا می‌کند و جمعیت ایران می‌تواند به حدود صدمیلیون نفر برسد. بعد از آن رشد جمعیت صفر می‌شود و دیگر بستگی دارد که میزان باروری در ایران به چه شکلی باشد. اگر باروری افزایش پیدا کند جمعیت بیشتر می‌شود هرچند چشم‌انداز مثبتی برای این رشد دیده نمی‌شود مگر اینکه سیاست‌های خاصی اتخاذ شود تا افراد به داشتن فرزندن بیشتر تمایل پیدا کنند.

۴ آیا طرح کنترل جمعیت عامل اصلی کاهش جمعیت در ایران است؟
خبر، داده‌ها چیز دیگری را نشان می‌دهند. بگذارید کمی از تاریخچه طرح